

تورم فزاینده دولت ساخته، بلای رفاه و آرامش خیال خانواده‌ها

دکتر علی رشیدی



**تعقیب سیاست
مخاصمه با دنیا که
به تحریم‌های
بین‌المللی اقتصادی
و بانکی پیایی منجر
شده است، به ایجاد
جو عدم اطمینان
نسبت به آینده که
ایده آل رانت‌خواران
است، منجر شده
است.**

شش‌ماهه اول سال ۱۳۸۶) با دوبرابر شدن نقدینگی در سه سال اخیر، نرخ تورم برای مصرف‌کننده در سراسر کشور را از حدود ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۴، به حدود ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۶ و در سال جاری مسلماً به حدود ۲۵ درصد می‌رساند. درحالی که درآمد نفت در سال ۱۳۸۷ به حدود ۸۰ میلیارد دلار می‌رسد که دو برابر کل درآمد نفت در سال ۱۳۸۱ است و در یک سال، دولت از محل نفت، برابر چهار سال (سال‌های ۷۵-۱۹۷۱) درآمد خواهد داشت و در سال ۱۳۸۶ نیز درآمد نفت حدود ۶۸ میلیارد دلار بوده است، دولت با خرج پول نامناسب و بی‌منطق اقتصادی تحت‌عنوان هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی و فرادولتی و برای طرح‌های خلق‌الساعه بدون کارشناسی و کم‌بازده و تمرکز پول و قدرت خرید در دست گروهی خاص و وابسته به دولت و نهادهای عمومی حامی دولت، از یک طرف، سبب رشد اقتصادی واقعی و مناسب‌نشده و از طرف دیگر، ارزش و اهمیت پول را ابتدا در دست "افراد پولدارشده"

از زمان روی کار آمدن دولت نهم و با شعارهای مهرورزی و عدالت‌گستری، پخش پول نفت و گرفتن دستوری و مستقیم پول از بانک‌ها برای تأمین مخارج جاری دولتی و دستگاه‌های فرادولتی و دادن وعده‌های بی‌سرانجام در سفرهای استانی و خرج پول برای طرح‌های به اصطلاح زودبازده، هرگونه رابطه منطقی بین درآمدهای دولت و مخارج آن، مابین تولید و عرضه کالا و خدمات موردنیاز جامعه، با مقدار پول در گردش در اقتصاد از بین رفته است. مخارج اضافه بر بودجه دولت در سال ۱۳۸۴ به ۷۶۱۷ میلیون دلار، در سال ۱۳۸۵ به ۹۶۸۲ میلیون دلار و در سال ۱۳۸۶ برپایه ارقام شش ماهه اول، حداقل به ۱۷ میلیارد دلار رسیده است که بعضاً در ترمیم بودجه گنجانده شده است. درحالی که رشد اقتصادی ۶-۵ درصد، با توجه به سرعت گردش پول، مستلزم رشد عرضه پول به مراتب کمتر از آن است، رشد نقدینگی ۳۰ تا ۴۰ درصدی در سال (۳۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۴، ۳۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۳۶/۹ درصد در



انحصار واردات و توزیع در دست گروهی خاص، مانع تأثیر واردات بر کاهش هزینه‌های مصرف کنندگان شده است.

صرفه‌جویی، کاستن هزینه‌های زاید، بهره‌بردن از مزایای اقتصاد در مقیاس تولید، تزریق تکنولوژی، بهبود مدیریت و حفظ مواد و کالاها در چرخه تولید و فروش خبری نباشد.

علاوه بر این، رواج طرزتفکر بازار و بازاری بر دولت و سازمان‌ها و دستگاه‌های عمومی، سبب شده است که بدون توجه به شرایط کمبود کالاها و فقدان رقابت در بازار، از یک طرف، وضع و اجرای مقررات نظارتی و کنترل توسط وزارتخانه‌های مسوول سست و یا کنار گذاشته شود و از طرف دیگر، شهرداری‌ها و اتحادیه‌های اصناف و اتاق‌های بازرگانی از وظایف و مسوولیت‌های تاریخی، اخلاقی و نظارتی خود غافل بمانند و خانواده‌های مصرف‌کننده لاعلاج در چنگال فروشندگان سودجو و فرصت‌طلب گرفتار آیند.

یکی دیگر از عوامل افزایش فشارهای تورمی بر بودجه خانواده‌ها و بی‌بندوباری قیمت‌ها، بی‌توجهی دستگاه‌های قضایی و به‌تبع آن، دستگاه‌های انتظامی، به گرانفروشان و انحصارداران و محتکران است. ارتباط سنتی و اشتراک منافع بازاریان با متولیان امر قضا و نیز رواج شعارهای خودساخته‌ای مثل "الکاسبُ حبیب‌الله" و یا وضع یا جعل حدیث از حضرت رسول در مورد آزادگذاری قیمت‌ها، سبب شده است که در حکومت به‌اصطلاح اسلامی، از زمان خاتمه جنگ تحمیلی و اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، ساختار نظارت بر بازار، در دولت سست و یا بلااثر گردد و امروز علیرغم وجود ده‌ها سازمان بازرسی و نظارت و کنترل بر روی کاغذ و حتی با وجود وضع قانون مالیات بر ارزش‌افزوده که مستلزم وجود حساب و کتاب در خریدوفروش‌هاست، عملاً دست‌فروشنده در تحمیل قیمت دلبخواه بر خریدار باز باشد و ترسی از نظارت صنفی یا تشکل‌های حرفه‌ای، اتاق‌ها، شهرداری‌ها و حتی وزارت بازرگانی مسوول تنظیم بازار، نباشد.

اقتصاد بی‌سروسامان و نابسامان شدن وضع مردم ما در بین کلیه ملت‌های همتراز، حاصل بی‌اعتنایی به اصول اولیه حکومتداری در دنیای امروز، یعنی آزادی و تساوی مردم در انتخاب افراد شایسته برای مدیریت و اداره امور کشور، برای فرد - فرد شهروندان در سراسر کشور است.

و سپس در کل جامه کم و کمتر ساخته است. دولت، بدون سیاست مدیریتی صحیح، بی‌اعتنا به منطق علم اقتصاد و ضرورت تشویق تولید داخلی که برای مردم کار و درآمد می‌آفریند، به آزادگذاری واردات و واردات‌چی‌ها و بی‌اعتنایی به قاچاق صنعت‌برانداز و حتی کاهش و یا حذف موردی تعرفه‌های گمرکی به نفع افراد خاص و یا کالاها، خاص، ظاهراً به دنبال زیادکردن عرضه و مبارزه با تورم بوده است، درحالی که انحصار واردات و حلقه‌های تنگ توزیع در دست گروه خاص، مانع انتقال هرگونه ازدیاد عرضه یا کاهش هزینه‌ها و یا قیمت‌های تمام‌شده کالاها، وارداتی به مصرف‌کننده بوده است.

تعقیب سیاست مخاصمه با دنیا که به تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و بانکی پیایی منجر شده است، علاوه بر ایجاد جو عدم‌اطمینان نسبت به آینده که ایده‌آل رانت‌خواران است، با جلوگیری از انتقال تکنولوژی به کشور، با ایجاد واسطه‌های فروش بین خریداران ایرانی و فروشندگان خارجی و بین بانک‌های ایرانی و خارجی، علاوه بر ایجاد تأخیر در انجام سفارش‌ها، با بالابردن هزینه واردات و تولید، قیمت فروش کالا و خدمات را برای ایرانیان افزایش داده است و ناچار مصرف‌کننده داخلی همه این هزینه‌ها را می‌پردازد و این امر مانعی نیز در راه رقابت کالاها، ایرانی در بازارهای جهانی است.

بی‌سیاستی دولت در ایجاد تعهد و خرج پول که منجر به اعتراض وزیر دارایی سابق و برکناری او شد و قبلاً نیز رییس کل بانک مرکزی سابق به همین سرنوشت دچار شده بود، امروز گریبانگیر رییس کل جدید بانک است که چون قادر به جلوگیری از مهار مخارج افسارگسیخته دولت و دستگاه‌های وابسته نیست و این استقلال و آزادی عمل را ندارد که دولت را برای فروش دلارهای نفتی حواله بازار ارز کند، جلوی اعطای اعتبارات بانک به واحدهای تولیدی را گرفته است که علاوه بر درتنگنا قراردادن سرمایه درگردش واحدها، کل سرمایه‌گذاری‌های آنان در پروژه‌های تولیدی ناتمام را در خطر نابودی قرار داده است. نابسامانی سیاست‌های مالی که مانع انجام بموقع تعهدات واقعی به پیمانکاران شده است، همراه با تکیه به نظام بانکی مصنوعی و غیرکارآمد دست‌نشانده دولت، نرخ‌های بهره واقعی را در بازار تا مرز ۴۰ درصد افزایش داده و همه تولیدکنندگان نیازمند اعتبارات مناسب، مخصوصاً جوانان و خانواده‌های نیازمند مسکن را با مشکل عظیم بی‌خانمانی روبرو کرده است. رواج نرخ بهره ۱۰۰ درصد نیز در بازار گزارش شده است.

تسلط طرزتفکر بازار و بازاری‌ها بر دولت و دستگاه‌های دولتی در سال‌های پس از جنگ و اختراع روش خودگردانی مالی برای انتقال هزینه‌های دستگاه‌های دولتی به ارباب‌رجوع و مصرف‌کننده، سبب شده است که چه کارخانجات و دستگاه‌های اداری دولتی و چه تولیدکنندگان و فروشندگان خصوصی، هرگونه اضافه هزینه واقعی و یا فرضی را به حساب خریدار و مصرف‌کننده بگذارند و از منطق

یکی از عوامل افزایش فشارهای تورمی بر بودجه خانواده‌ها و بی‌بندوباری قیمت‌ها، بی‌توجهی دستگاه‌های قضایی و به‌تبع آن، دستگاه‌های انتظامی، به گرانفروشان و انحصارداران و محتکران است.